

اهواز، نیازمند تقویت مدارا و پذیرش تکثر فرهنگی

خوزستان روزگاری با تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی همراه بوده، که گاه از آن بعنوان یک ایران کوچک یاد می‌شده و اصولاً شرط زیست مسالمت آمیز در این استان خصوصاً شهرهایی مثل آبادان، مسجدسلیمان، شوشتر و اهواز، پذیرش تفاوت زبانی و گویشی و مذهبی و فرهنگی از سوی یکایک شهروندان بوده و هست.

به گزارش خبر، خوزستان روزگاری با تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی همراه بوده، که گاه از آن بعنوان یک ایران کوچک یاد می‌شده و اصولاً شرط زیست مسالمت آمیز در این استان خصوصاً شهرهایی مثل آبادان، مسجدسلیمان، شوشتر و اهواز، پذیرش تفاوت زبانی و گویشی و مذهبی و فرهنگی از سوی یکایک شهروندان بوده و هست.

متأسفانه کمپینی جهت درخواست ابطال حکم ثبت اهواز بعنوان شهر ملی میناکاری صبی راه افتاده، که دل علاقمندان راستین اهواز را به درد آورده. بهانه برای چنین درخواستی نیز این است که اهواز معراج شهداء است و نباید این شهر، دو دستی به یک اقلیت مذهبی تقدیم نمود. باید در نظر داشت که ثبت اهواز بعنوان شهر ملی میناکاری صبی، تقدیم اهواز به یک قوم و قبیله و مذهب اقلیت نیست، (آن هم در کشوری که به حکم ایرانی بودن، همه اکثریت هستند و نه اقلیت!) بلکه توجه بیشتر و ارزش گذاری شایسته تر به هنر و فرهنگ مردمی است که جزئی از این شهر و دیار هستند و در کنار ما آرام و مسالمت آمیز، زیست می‌کنند! و ثبت آن می‌تواند تمرینی باشد برای دوست داشتن فرهنگ و هویت و انسانیت آنها، در کنار دوست داشتن خود!

همچنین اگر اهواز شهر معراج شهداء است، که هست، باید به یاد بیاوریم که اقلیت‌های مختلفی از ارمنی، یهودی، زرتشتی، صبی و سنی از گوشه گوشه ایران عزیز در جنگ تحمیلی به این منطقه آمدند و شهید شدند و آنها هم صاحب بخشی از اهواز و خوزستان و معراج شهدای آن هستند، چرا که برای خوزستان و ایران، جان خود را فدا نموده‌اند!

ضمن اینکه در گذشته خوزستان، یکی از مناطقی بوده که یهودیان، ارمنیان و صائبین مندایی، در آن حضور قابل توجهی داشته و بخشی از میراث فرهنگی استان، متعلق به آنها و حضورشان بوده است!

شوربختانه آنکه برخی شهروندان، بجای اینکه این تنوع و تکثر زیبا را در اهواز بپذیرند و جنبه‌های توریستی، فرهنگی و بین‌المللی شهر را بالا ببرند، با ادبیاتی کودکانه بدنبال ابطال حکم ثبت شهر ملی میناکاری صبی هستند، تا اینگونه هموطنان و همشهریان مهربان و گرانقدر صبی را دل‌آزرده نمایند! همچنین کسی درخواست نداده که شش‌دانگ شهر اهواز به نام مردم صائبین مندایی زده شود، بلکه اهواز فرارست بعنوان شهر ملی هنر میناکاری آنها شناخته شود و چه بسا از این رهگذر صائبین ساکن خارج از ایران، با ایران و اهواز احساس قرابت و تعلق بیشتری بیابند!

در پایان این مسئله را ذکر نمایم که دوست بزرگوام استاد غلامرضا جعفری با یادداشت "شهر خوب، شهروند وارداتی" گزاره "شهر خوب را، شهروند خوب می‌سازد" را گزاره ای غلط، سفسطه آمیز و جهت دار می‌داند، اما با عرض معذرت و شرمندگی نسبت به این بزرگوام، این گزاره، گزاره غلطی نیست چرا که شهر خوب را شهروند خوب می‌سازد، شهروندی که به انسانیت باور داشته باشد، تنوع و تکثر مذهبی، فرهنگی و زبانی را پذیرا باشد و بدانیم اگر شهرهای ما خوب نیستند، نیازی به واردات شهروند خوب برای ساختن شهر خوب نیست، تنها باید اندیشه مدارا و نگاه انسانی را در شهرهای مان گسترش دهیم، چرا که بی شک پاک کردن صورت مسئله، مسئله ای را حل نمی‌کند!